

# ۲۱ سال خاطرات خانم آتش نشان

گفت و گو با اولین زن آتش نشان ایران که به تازگی باز نشسته شده و ویدئوهای آگاهی بخش او در فضای مجازی در باره مسائل ایمنی مورد توجه مردم قرار گرفته است

اکرم تصواری | روزنامه نگار

پرونده

شاید اسباب تعجب تان باشد که بشنوید مانه تنها در ایران آتش نشان خانم داریم بلکه به تازگی گروهی از این آتش نشان ها باز نشسته شده اند . «منصوره جوانمرد» با ۲۱ سال خدمت در ایستگاه آتش نشانی کرج یکی از همین باز نشسته هاست. او جزو اولین آتش نشان های خانم است که سال ۱۳۸۱ جذب آتش نشانی کرج شد و اول فروردین سال بعدی به صورت رسمی در ایستگاه ۱۷ بانوان کرج به صورت شیفته مشغول به کار شد. می گوید تیم دوم آتش نشان های خانم در کرج، ۷ سال پیش استخدام و در تهران هم تیم سوم یا چهارم جذب شدند. با این همه، هنوز بخش زیادی از مردم با شنیدن شغل او متعجب می شوند و از او می پرسند مگر آتش نشان خانم هم داریم؟ اصلا مگر می شود؟ او می گوید این ها پر تکرار ترین سوالاتی است که از او می پرسند. البته خیلی ها فکر می کنند خانم ها در آتش نشانی در بخش اداری مشغول به کار می شوند اما این طور نیست و خانم های آتش نشان در عملیات، اطفای حریق و امداد و نجات حضور دارند. سوالات مان از منصوره جوانمرد زیاد است و در این پرونده با او در باره سال های خدمتش در آتش نشانی و چالش های این شغل سخت گفت و گو کردیم. به خصوص که او و دیگر همکاران خانمش یک جور هایی جاده صاف کن این شغل برای خانم های دیگر بودند و سختی های زیادی را برای ماندن در این شغل به جان خریدند. اگر دوست دارید آتش نشان شوید یا با این شغل بیشتر آشنا شوید، پرونده امروز را از دست ندهید.

## در ایستگاه ۱۷ بانوان کرج چه می گذرد؟

فعالیت رسمی منصوره جوانمرد به عنوان آتش نشان خانم در ایستگاه آتش نشانی بانوان کرج شروع شد. او حال و هوای ایستگاه بانوان را این طور روایت می کند: «شهر های مختلفی بعد از ما نیروی آتش نشان خانم گرفتند. مثلا در شیراز چند آتش نشان خانم جذب شدند اما شیفته شان به صورت صبح تا غروب بود. شهر های دیگری هم بودند که اقدام کردند ولی موفق نشدند چون به هر حال مهیا کردن ایستگاه برای بانوان شرایط خاصی را می طلبد که شاید برای هر شهری مقدور نباشد. مایک ایستگاه مجزا از آقایان داشتیم ولی هر بار زنگ ماموریت می خورد، ماموریت های مشترک را همزمان با اعزام می شدیم. ماموریت های ویژه بانوان را هم برای کل سطح شهر پوشش می دادیم. ماموریت های ویژه ما اتفاقات مختلفی مانند پشت در ماندن خانم ها در حمام یا سرویس بهداشتی بود که خیلی وقت ها اجازه کار به آتش نشان مرد را نمی دادند و ما به طور مستقل عمل و در ارباز می کردیم. حوادث در استخر بانوان، تصادفات رانندگی و... هم از دیگر ماموریت های ایستگاه بانوان آتش نشانی بود.»

## با هر زنگ با آتش نشان های آقا اعزام می شدیم



بعضی ها فکر می کنند وقتی یک خانم شغل های سخت مانند آتش نشانی، رانندگی خودروهای سنگین و... را انتخاب می کند به او ارفاق می کنند، او را به ماموریت های سخت نمی فرستند و اوضاع کار او با همکاران مرد تفاوت دارد. این سوال را از جوانمرد می پرسیم. او این موضوع را کامل رد می کند و می گوید: «اصلا این طور نیست. ما شرایط جذب مان هم کاملا مشابه آقایان بود. در ایستگاه آتش نشانی هم هر زنگی که می خورد همزمان با همکاران

آقا اعزام می شدیم چه عملیات نجات بود و چه ماموریت اطفای حریق. هر ایستگاه آتش نشانی منطقه خودش را پوشش می دهد ولی ما به عنوان تنها ایستگاه بانوان در کرج هر نقطه شهر که برای خانم ها اتفاقی می افتاد را هم باید پوشش می دادیم. یعنی اگر در غرب شهر بودیم و اتفاقی در شرق می افتاد، باید خودمان را می رساندیم و اگر جنوب بودیم و اتفاقی در شمال می افتاد هم همین طور.» او در باره استخدام در آتش نشانی که سوال خیلی هاست، اضافه می کند: «استخدام در آتش نشانی ها از طریق شهرداری و پرتال سازمان ها صورت می پذیرد و برای استخدام باید از دو فیلتر آزمون های تئوری و عملی عبور کرد تایک نمره نهایی صادر شود. شرایط استخدام هم برای خانم ها و آقایان آتش نشان تفاوتی ندارد. معمولا سازمان سنجش و جهاد دانشگاهی آزمون های تئوری را برگزار می کنند.»

## ۱۱ خانم به صورت رسمی

## در سال ۸۲ آتش نشان شدیم

خیلی دوست دارم بدانم که خانم جوانمرد که حالا ۴۲ ساله است ۲۲ سال پیش چطور به فکر آتش نشان شدن افتاد. او می گوید: «من همیشه عاشق هیجان و کمک به مردم بودم اما نمی دانستم چنین شغلی برای خانم ها هم وجود دارد؛ حتی با وجود این که دایی خودم، آتش نشان بود. من ملی پوش توانمند بودم و همزمان در اردویی شرکت داشتم که آزمون آتش نشانی گذاشتند. خیلی ها مثل من نمی دانستند شغل به چه صورت است. من به اصرار پدرم آزمون را دادم و جای خوشحالی بود که در تیم از بین صدو خرده ای شرکت کننده نفر اول شدم. بعد از آزمون ۷۰ نفر انتخاب و بعد دوباره ۱۲ نفر از بین آن ها قبول شدیم. یک نفر مان به دلیل شرایطی که داشت انصراف داد و ۱۱ نفر ماندیم. آموزش های لازم را دیدیم و بعد به صورت شیفته در سازمان مشغول به کار شدیم. وقتی سر کلاس آمدم نمی دانستم کارمان به صورت شیفته ای است. اصلا یکی از دلایلی که آن زمان دوست نداشتم سمت این شغل بیایم این بود که فکر می کردم این شغل هم مثل کار های اداری است و من کار اداری را دوست نداشتم. بعد از آزمون فهمیدم این همان شغلی است که مطابق سلیق و روحیات من بوده. ما ۱۱ نفر کارمان را به صورت رسمی از اول سال ۱۳۸۲ در سه شیفت شروع کردیم و سال گذشته چهار نفر مان باز نشسته شدیم.»



## حمایت خانواده را داشتیم و همسرم هم آتش نشان بود



خانواده را همه جور داشتیم. در ازدواج هم شانس آوردیم چون همسرم هم آتش نشان هستند و کامل من را درک می کردند. خیلی مهم است همراهت در زندگی کسی باشد که درکت کند و شرایط را بفهمد. ما هر دوشر ایط کار هم را درک می کردیم و در چنین شرایطی بودیم.»

## مردم هنوز می پرسند مگر آتش نشان خانم هم داریم؟!

«چطور می تویم آتش نشان بشیم؟ خانما هم مگه می تونن آتش نشان بشن؟ از چه راهی باید اقدام کنیم؟ مردم هنوز که هنوز است با فهمیدن شغل من این سوالات را می پرسند و الان هم در فضای مجازی این سوالات تکرار می شود.» این آتش نشان خانم با این مقدمه در باره لحظاتی که آماده اعزام به عملیات می شدند و لحظاتی که درگیر ماموریت های مختلف بودند، می گوید: «در شغل ما لحظات سخت زیاد اتفاق می افتد اما موقعی که مشغول کار هستیم، آن قدر حواس مان به کار است واقعا بعضی چیز ها را یاد

می تونم بکنم و هم و غم و حواس شان به این است که در آن لحظه چه کار باید بکنند و کار درست چیست.»

## مردم اعتماد نمی کردند، فحش می دادند و داد می زدند

«الطبع بر خوردم مردم با موضوعات جدید آن هم اولش شاید خیلی خوب نباشد. ما سال های اول این مشکل را داشتیم و مردم اصلا نمی پذیرفتند و می گفتند مگر زن آتش نشان داریم و اصلا زن را چه به آتش نشانی؟! اعتماد نمی کردند و در مواردی اجازه نمی دادند کار کنیم ولی وقتی کار مان تمام می شد خودشان می آمدند و با شرمندگی تشکر می کردند. هیچ وقت یاد نمی رود ماموریت آوار بر داری بود. خانه بغلی ریخته بود روی یک نانوا یی. یک دختر و یک پسر در این آوار گیر کرده بودند و وقتی گروه ما می خواست کار کند مردم اجازه نمی دادند. خانواده آن دو نفر عصبانی بودند،

## زلزله بم سخت ترین عملیاتی بود که داشتیم

یکی از سخت ترین و تلخ ترین لحظات ۲۱ سال خدمت آتش نشان گزارش ما مربوط به زلزله بم و اعزام به این شهر در روز اول حادثه است. او آن روز های تلخ و جانکاه را این طور روایت می کند: «به نظر من سختی کار ما از شیرینی اش کمتر است. وقتی کارت تمام می شود، آن لبخند رضایت مردم را می ببیند که می آیند از توتشکر می کنند سختی را از بین می برد و چیزی از آن سختی نمی ماند چون سراسر این شغل عشق و علاقه است. تلخی آن زمانی است که ناراحتی مردم را می بینی؛ مثل حادثه

بم. ما لحظات اولیه بعد از حادثه بم با دیگر همکاران خانم اعزام شدیم و هفته اول آن جا بودیم. صحنه های خیلی سختی دیدم و امیدوارم کسی آن را تجربه نکند. به نظر من سخت ترین لحظات آن دوست بود؛ زمانی که مادر و بچه را از زیر آوار در می آوردیم، مادری که داشت بچه اش را شیر می داد یا خانواده ای که همه با هم زیر آوار مانده بودند و باید آن ها را از زیر آوار در می آوردیم. یا وقتی یکی از اعضای خانواده زنده مانده بود و بقیه زیر آوار مانده بودند. آن لحظات برای من و همکارانم واقعا لحظات سختی بود که هنوز نمی توانم فراموش شان کنم.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

یک شنبه • ۱۸ شهریور ۱۴۰۳

۴ ربیع الاول ۱۴۴۶ • ۸ سپتامبر ۲۰۲۴

شماره ۲۱۵۷۸

۲۷۹۷

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

## چرا تبخال می زنیم و چطور باید از شر آن خلاص شویم؟

## دومینوی آسیب ها با تتوی لب دختر بچه ها

ویدئویی از تتیت لب یا همان تزریق رنگ به لب یک دختر بچه و خوشحالی خودش و اطرافیانش پربازدید شده؛ چرا چنین کارهایی یک اشتباه راهبردی محسوب می شود؟

## چرا باید در شهريور خانه تکانی کنیم؟

## خاطره بازی | بوی ماه مهر تو شهريور قاطی شده!

## در فضای مجازی در عرض یکی دو ماه دیده شدیم

جافتادن شغل آتش نشان خانم در جامعه اصلا راحت نبوده است. این ها را می شود از بین صحبت های خانم جوانمرد فهمید. او در این باره می گوید: «معنی این که الان دارم خیلی راحت در باره آتش نشان شدن مان صحبت می کنم این نیست که همه چیز راحت بود. اتفاقا خیلی سخت بود که جامعه و به خصوص شهر مان بپذیرد خانم های آتش نشان هستند و بپذیرند می توانند کار کنند. بر اینم جای سوال است بعد از ۲۱ سال کار هنوز می پرسند مگر خانم آتش نشان هم داریم. اصلا چیز قشنگی نیست. من فکر می کردم ما این همه تلاش کردیم، جنگیدیم و ایستادیم، پایه پای مردان رفتم، خیلی جاها خیلی بیشتر از آن چیزی که باید مایه می گذاشتیم، گذاشتیم ولی جامعه هنوز این موضوع را نپذیرفته و جا نفتاده است. با این که برنامه و مستند های زیادی ساخته و پخش شد. برای خود من خیلی جالب بود که این همه سال با همکاران خانم کار کردیم و کسی آن را ندیده است اما این قدر راحت در فضای مجازی در عرض یکی، دو ماه دیده شدیم و چقدر بادست که اطلاع رسانی مان در رسانه های دسته جمعی مثل تلویزیون این قدر ضعیف است. جایی نشده بروم که با تعجب پرسند مگر خانم آتش نشان هم داریم. در صورتی که ما به غیر از کار عملیاتی، کار آموزش در مدرسه ها هم داریم و آن جا را هم پوشش می دهیم.»

## دقایق اولیه برای تماس با آتش نشانی مهم است

خیلی مهم است که مردم برای چه اتفاقاتی و چه زمانی به آتش نشانی زنگ بزنند و در این بار آگاه باشند. جوانمرد در باره این موضوع توضیح می دهد: «مردم در بعضی زمینه ها آگاهی ندارند و این باعث می شود که یک حادثه کوچک به یک حادثه بزرگ تبدیل شود. اگر آگاهی باشد می توانند یک زندگی ایمن تر داشته باشند و چه بسا جلوی خیلی از حوادث را بگیرند. بخش دیگر به این خاطر است که نمی دانند در یک سری حوادث اول باید به کجا زنگ بزنند. مثلا وقتی دست شان در یک وسیله برقی گیر می کند اول به اورژانس زنگ می زنند. در حالی که اورژانس هم برای آن اتفاق در نهایت به آتش نشانی زنگ می زند. یا برای هر در بسته ای با آتش نشانی تماس می گیرند در صورتی که فقط در شرایطی که فردی در موقعیتی گیر کرده، شما به او دسترسی ندارید و احتمال خفگی، مرگ و آتش سوزی و گاز گرفتگی وجود دارد باید این کار را کرد. یک سری آگاهی ها هم در باره آسانسور ها باید داده می شد که خوشبختانه مردم در این زمینه آگاه تر شدند. مورد بعدی مربوط به حوادثی است که در تصادفات رانندگی پیش می آید و مردم اول خودشان اقدام می کنند و وقتی می بینند نمی شود کاری کرد به آتش نشانی زنگ می زنند. در صورتی که دقایق اولیه در این حوادث بسیار مهم است.»

## نمی خواهم تجربه هایم در آتش نشانی خاک بخورد



این شغل داشتیم بماند و خاک بخورد. می خواستم جلوی خیلی از حوادثی که زیاد اتفاق می افتد گرفته شود و واقعا می خواهم مردم آن قدر آگاه باشند که حادثه ای اتفاق نیفتد و آتش نشان هایمان بیکار باشند. امیدوارم روزی به جایی برسیم خانم ها راحت بتوانند جذب آتش نشانی شوند و راحت در این شغل کار کنند. الان در فضای مجازی پیام های زیادی به من می دهند و ویدئوهای آموزشی تشکر می کنند و می گویند آگاه شدیم. خیلی ها هم پیشنهاد می دهند که می شود در باره فلان موضوع هم یک ویدئو کار کنید.»